

ایران تماشاچی تجارت با همسایه های شرقی

صفحه ۸ را بخوانید



معادلات سیاسی منطقه در ماه آخر ترامپ

قماربازی در وقت های اضافه

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
تهران ۴۰۰۰ تومان
شهرستان ها و واحدهای
دانشگاهی ۱۵۰۰ تومان



شماره مسلسل ۳۹۵۵
شبه ۶ دی ۱۳۹۹
۱۱ جمادی الاول ۱۴۴۲
۲۶ دسامبر ۲۰۲۰
شماره ۳۲۱۷

www.fdn.ir | Sat | 26 Dec 2020 | vol.12 | No. 3217 | 16 Pages

صفحات مشکوک به اسم هواداری از استقلال و پرسپولیس چطور با انگیزه های اقتصادی دوقطبی های خطرناک اجتماعی می سازند؟

دوقطبی سازان اجاره های

۱۳، ۱۲

تغییرات در روند خصوصی سازی نمونه عینی اصلاح حکمرانی است

مطالبات اجتماعی چگونه خصوصی سازی را اصلاح می کند؟

۱۶

ترامپ در آستانه خروج از کاخ سفید نگران تبعات ماجراجویی هایش در منطقه است

بدرقه ترامپ با آتش

۱۷

همه آنچه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی باید بدانند

قبل از ورود به پنجره نقل و انتقالات بخوانید

۱۸

یادداشت

علی مصطفوی

پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق

بودجه صرفا پسنددخول و خرج سالانه دولت، بلکه الگوی توزیع منافع اقتصاد کشور بین تک تک ایرانیان است. یکی از مهم ترین پرسش هایی که شاید همیشه مطرح بوده این است که چگونه عوامل سیاسی بر مسائل اقتصادی مانند بودجه، برنامه های توسعه و سیاست های اقتصادی تاثیر می گذارند؟ و برعکس؟ این پرسش از این دیدگاه فراگیر در علم اقتصاد ناشی می شود که نه تنها نیروهای سیاسی را بر خروجی های اقتصادی تاثیر گذار می داند، بلکه اغلب آن را به عنوان عامل تاثیر گذار تعیین کننده معرفی می کند.

نظر به مبنا: چرخه های تجاری در سیاست

بر اساس نظریه چرخه های تجاری* در زمان های نزدیک به انتخابات، دولت مردان، نمایندگان و احزاب رقیب یکدیگر برای کسب حداکثر آرا با استفاده از ابزارهایی که در دست دارند همچون دستکاری های سیاست مالی (بودجه ای) در جهت تحریک ادراک و افکار رای دهندگان و ترغیب آنان برای رای دادن به نمایندگان مورد نظر استفاده می کنند که بر این اساس چرخه های تجاری در اقتصاد رخ خواهد داد و به نوعی رونق یا رکودی فزاینده و کادب در اقتصاد فراگیر می شود. با توجه به اینکه عوامل اقتصادی تاثیر به سزایی در الگوی رفتاری رای دهندگان دارند، دولت ها با اتخاذ سیاست های مختلف اقتصادی سعی می کنند به نحوی، جهت گیری رای دهندگان را تغییر دهند.

مطالعات مختلف تجربی در سطح جهان نیز این نوع نگاه را تایید کرده است از جمله از سال ۱۸۳۰ تا ۱۹۴۵، چرخه های اقتصادی کوتاه اقتصاد آمریکا با انتخابات ریاست جمهوری مرتبط و همزمان بوده است. این مساله در موارد و بازه های مختلف در اقتصاد ایران نیز اثبات شده است. نامزدهای انتخابات فارغ از ایدئولوژی خود (راست گرایا چپ گرا بودن) سعی می کنند در سال های انتخابات با افزایش فرصت های شغلی، کاهش بیکاری و گسترش فضای کسب و کار سهم بیشتری از رای مردم را به دست آورند.

۲ بودجه: ابزار تاثیر گذار بر آرای عمومی در انتخابات

تاثیرگذاری بر آرای عمومی در کشورهای مختلف با توجه به قدرت و میزان مداخله دولت در اقتصاد، ابزارهای متفاوتی می طلبد، اما می توان گفت «بودجه دولت» و «سازوکار بودجه ریزی عمومی» در قلب این فرآیند سیاسی قرار دارد. بر این اساس هیچ جایی بهتر

همه برنامه های یک دولت برای بودجه اش...

بودجه ریزی دولتی به مثابه ابزار بازایی سیاسی (با تاکید بر بودجه سال ۱۴۰۰ کشور)

کسری بودجه ناشی از عدم تحقق درآمدهای نفتی، مجبور به استفاده (مستقیم یا غیرمستقیم) از منابع بانک مرکزی شده است که تومی دوجندان در کشور ایجاد خواهد کرد. بنابر گزارش مرکز پژوهش های مجلس، دولت در سال ۱۳۹۸ معادل ۸۰ هزار میلیارد تومان از منابع بانک مرکزی استفاده کرده است که براساس یک تخمین اولیه و سرانگشتی می توان گفت بودجه ۱۳۹۸ حداقل ۱۶ درصد به تورم معمول کشور در این سال اضافه کرده است! حال سوال این است که با توجه به سابقه عدم تحقق درآمدهای نفتی چقدر دولت این گونه بیش برآورد درآمدهای نفتی را در بودجه ۱۴۰۰ ادامه می دهد؟ آیا راه حلی دیگری یا نوعی دیگر از تامین مالی برای بودجه دولت می توان متصور بود که بتواند علاوه بر اینکه به حمایت از اقلشمار ضعیف جامعه کمک کند موجب تورم نشود و رشد اقتصادی را نیز بهبود بخشد؟

۴ موانع اصلاح بودجه سال ۱۴۰۰ کشور مبتنی بر دیدگاه اقتصاد سیاسی

می توان انتظار اصلاحاتی ساختاری در بودجه کشور را داشت که بتواند علاوه بر ایجاد رشد اقتصادی و حفظ قدرت خرید خانوارها منجر به ایجاد تورم بیشتر نشود؛ به شرطی که بتوان اصلاحات ساختاری را در سطح اقتصاد سیاسی بودجه یعنی تغییر آرایش ذی نفعان بودجه و تغییر واقعی نحوه مدیریت بهره مندی ها را از منابع و مصارف بودجه مدنظر قرار داد.

شاید بتوان مهم ترین اصلاح ساختاری بودجه را در تغییر حکمرانی و شیوه تامین مالی دولت از یک بودجه نفتی (مبتنی بر منابع طبیعی) به سمت یک بودجه مبتنی بر مالیات دانست. یکی از مهم ترین نکات که نشان دهنده موفقیت یا شکست این تغییر است، در این سوال نهفته که افزایش مالیات یا کاهش هزینه هادر مورد چه گروهی از ذی نفعان اعمال شده؟ و در مورد چه گروهی اعمال نشده است؟

در ایران مالیات ها عموما به مالیات بر درآمد و مالیات بر مصرف محدود شده است (آن هم به طور ناقص و با پایه های مالیاتی محدود). در سال ۱۴۰۰، ۳۷ درصد بار مالیاتی کشور برعهده مالیات بر کالا و خدمات است اما مالیات بر ثروت که متعلق به دهک های بالای درآمد و ثروت است، در اقتصاد ایران بسیار ناچیز است (حدود ۹ درصد) یا در لایحه بودجه ۱۴۰۰ مالیات کارمندان بخش عمومی (دولتی) حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان و برابر مالیات پرداختی مشاغل همه اصناف کشور است یعنی

تسهیلات می گیرند (از محل تکالیف بودجه) یا نمی گیرند، از کالاها و خدمات دولتی بهره مند هستند یا به دلیل کمبود منابع یا شیوه و تعریف ارائه خدمت، از آن بهره مند نیستند؛ همه افراد جامعه یا به نوعی در افزایش یا کاهش منابع بودجه دخیل اند یا عملیات مالی دولت روی دخل خرج آنها اثر می گذارد.

از این منظر بودجه، یکی از قدرتمندترین ابزارهای توزیعی در سیاست گذاری عمومی دولت در عرصه اقتصاد است. دولت می تواند حقوق اقتصادی را از افراد یا گروه هایی گرفته و آن را به افراد یا گروه هایی دیگری باز توزیع کند. همچنین می تواند با ایجاد حقوق اقتصادی جدید، افراد یا گروه هایی را بهره مند کند. در چارچوب سیاست های بودجه ای، هر ساله شیوه بهره مندی تمام افراد جامعه از منابع عمومی بودجه تعیین می شود.

۳ تحلیل بودجه سال ۱۴۰۰ کشور مبتنی بر دیدگاه اقتصاد سیاسی

ردگیری اثرات بودجه های سالانه کشور بر تحولات سیاسی و اجتماعی نیازمند استفاده از این نگاه اقتصاد سیاسی است که بودجه را برنامه ای برای بازطراحی سهم بری همه افراد جامعه از منابع و مواهب اقتصادی کشور می داند. حال براین مبنا برای شناخت اثرات سیاسی و اجتماعی بودجه سال ۱۴۰۰ کشور، باید ابتدا وضعیت اقتصاد کشور و نقش بودجه سال ۱۴۰۰ در ترسیم وضعیت کشور در این سال از این منظر مورد بررسی قرار گیرد. در شرایطی که در سه سال گذشته درآمد سرانه هر ایرانی حدود ۲۰ درصد کاهش یافته و رکود اقتصادی باعث بیکاری بسیاری شده است و از طرفی دیگر افزایش تورم، خط فقر را دو برابر ساخته، نیاز است تا سیاست های اقتصادی موجب فشار بیشتر بر سفره مردم نشود و بتواند قدرت خرید اقلشمار ضعیف را حفظ کند. سیاست های بودجه ای نیز باید از طرفی به افزایش قدرت خرید کمک کنند و از طرفی دیگر موجب افزایش تورم و افزایش فقر نشوند. دولت در بودجه سال ۱۴۰۰ با افزایش حقوق و دستمزد یا در نیمه دوم سال ۱۳۹۹ با طرح همسان سازی حقوق بازنشستگان سعی در ارتقای قدرت خرید جامعه داشته است.

منبع مورد استفاده دولت برای این برنامه های حمایتی نیز فروش روزانه ۲/۵ میلیون بشکه نفت در سال آینده در نظر گرفته شده است. اما نکته مهم این است که تجربه چند سال گذشته نشان داده دولت همیشه درآمدهای نفتی را به صورت غیرواقعی و بیش از حد برآورد کرده است و در نهایت دولت برای جبران این

از بودجه های سالانه دولتی برای نقش بازی کردن برای توده های مردم وجود ندارد.

نتایج تحقیقات در مورد اقتصاد ایران نشان داده است، دولت ها در سازی با اهرم بودجه برای تغییر رفتار مردم در انتخابات، به اشکال مختلفی عمل می کنند، از جمله در سال های انتخابات ریاست جمهوری، دولت ها به منظور افزایش احتمال انتخاب مجدد خود به سمت افزایش بودجه های جاری سرانه حرکت می کنند (به عنوان مثال در بودجه سال ۱۳۹۵ رشد هزینه های جاری ۱۰ درصد بیشتر از مخارج مختلف پرداخت ها به کارکنان و -بودجه عمرانی- بوده است.) به نوعی می توان گفت انتخابات ریاست جمهوری ترکیب مخارج عمومی را به سمت مخارج جاری انتقال می دهد. برای دولت ها نه افزایش بودجه عمرانی بلکه «افزایش مخارج جاری» (مانند افزایش پرداخت ها به کارکنان و بازنشستگان، افزایش فعالیت های حمایتی و یارانه ای یا جذب نیروها و پرسنل جدید در قالب های مختلف) تاثیر بیشتری بر آذهان عمومی گذاشته و احتمال رای آوری آنها را افزایش می دهد. لذا نگاهی عمیق تر به ساختار و فرآیند بودجه ریزی و اجزای مختلف هزینه های عمومی و ترکیب مخارج و اثرات آن بر واقعیت های اقتصادی کشور نیز می تواند نتایج قابل ملاحظه تری در مورد تاثیر بودجه ریزی بر تحولات سیاسی مانند انتخابات نشان دهد.

نگاهی به منابع و مصارف در بودجه سال ۱۴۰۰ نشان می دهد این بودجه از این قاعده مستثنی نیست. رشد ۵۹ درصدی مخارج هزینه ای دولت (رشد ۷۶ درصدی جبران خدمات کارکنان) در مقابل رشد ۲۶ درصدی بودجه عمرانی و افزایش حداقل ۲۰۰ درصدی کسری تراز عملیاتی بودجه یکی از شواهد است که نشان از افزایش شدید بودجه جاری و هزینه های مصرفی دولت در سال آینده (وابستگی شدید بودجه به منابع غیرواقعی و تورم) است. علاوه بر این نوع اثرگذاری منویات سیاسی بر ساختارهای بودجه ای می توان لایه ای عمیق تر از اثرگذاری بودجه بر گروه های مختلف اجتماعی را نیز مطرح کرد. فهم این نوع اثرگذاری در گروهی به این نکته است که بودجه اگرچه در اسم، برنامه مالی دولت است، اما تعادلی از ذی نفعان حول خود شکل می دهد که همه مردم ایران را در بر می گیرد. دامنه دگر سازی بودجه به اندازه تک تک ایرانیان است؛ چه، کسانی که مالیات می دهند یا کم می دهند یا فرار مالیاتی دارند، یارانه می گیرند یا نمی گیرند، از چه نوع آرزوی (دولتی، نیامی یا آزاد) بهره مند می شوند، استخدام می شوند یا نمی شوند یا اخراج، تولیدکننده اند یا صادرکننده یا خام فروش،